



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۱، صص ۲۲۲-۲۰۵

تحلیل ابعاد تنش آمیز حوزه بندی های انتخاباتی در چارچوب واحدهای تقسیمات کشوری (مطالعه

موردی: حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در استان فارس)

حسن جعفرزاده

دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

[Jafarzadeh.hassan@yahoo.com](mailto:Jafarzadeh.hassan@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

چکیده:

سازماندهی سیاسی فضا در چارچوب حوزه بندی انتخاباتی نقش موثری در روند و چگونگی کارکرد نظام های انتخاباتی، الگوی رای دهی، پیروزی نامزدها و جناح های سیاسی و در نهایت حاکم شدن اراده ملی ایفا می کند. روند رو به رشد تنش ها میان قلمروهای سیاسی - اداری در درون حوزه های انتخابیه این مساله را مطرح می سازد که این تنش ها مبتنی بر چه بنیادهایی است و از چه ساز و کاری تبعیت می کند. در این راستا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در استان فارس به عنوان یکی از وسیع ترین و پرجمعیت ترین استان های کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که عواملی مانند تسهیم نامتناسب جمعیتی حوزه های انتخابیه، افزایش واحدهای سیاسی - اداری درون حوزه های انتخابیه، زادبوم محوری و رقابت های محلی میان قلمروهای سیاسی - اداری مبتنی بر پیروزی کاندیدای بومی و نقش آفرینی جغرافیای قدرت و حمایت در جهت تغییر مرزهای سیاسی - اداری و تاثیر بر نتایج انتخاباتی از مهمترین مولفه های تنش زا در چارچوب حوزه های انتخابیه بوده است.

واژگان کلیدی: انتخابات، حوزه بندی انتخاباتی، تقسیمات کشوری، تنش، استان فارس

مقدمه و بیان مساله:

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه همواره به عنوان یکی از ارکان اساسی یک نظام دموکراتیک و قانون اساسی آنها نقش آفرین بوده است. نخستین گام برای برگزاری یک انتخابات عادلانه و مبتنی بر مشارکت فراگیر عمومی، تقسیم سرزمین و جمعیت یک کشور به حوزه های انتخاباتی مختلف به منظور ایجاد تناسب بین تعداد نمایندگان و جمعیت کشور است که اصطلاحاً به آن «حوزه بندی انتخاباتی» گفته می شود. در این صورت نمایندگان انتخاب شده مبتنی بر چنین سیستمی، به مثابه آینه و بازتاب تمام نمای افکار عمومی شهروندان و اراده عمومی آنها تبلور می یابد. تحقق چنین شرایطی مستلزم حوزه بندی دقیق و بی طرفانه و تقسیم متناسب جمعیت و گروه های قومی و فرهنگی مختلف در چارچوب این حوزه ها است؛ در غیر این صورت هرگونه نقص و بی نظمی در ترسیم مرزها و محدوده های حوزه های انتخاباتی بر چگونگی توزیع آرا و در نتیجه سرنوشت انتخابات تاثیرگذار بوده و در نتیجه تحقق حاکم شدن اراده عمومی در تصمیم گیری های ملی را با مشکل مواجه می کند. از آنجا که انتخابات در چارچوب حوزه های انتخابیه برگزار می شود، نحوه ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه به طور اساسی بر ماهیت نمایندگی سیاسی تأثیر می گذارد. به دلیل همین تأثیرگذاری و اهمیت است که مسئله ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه اغلب تبدیل به مسئله ای منازعه برانگیز می شود. در ایران نیز با توجه به ویژگی های خاص جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، قومی و فرهنگی و.. حوزه بندی های انتخاباتی برای مجلس قانون گذاری اهمیت بسزایی دارد. با وجود اهمیت چنین مساله ای، حوزه بندی های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی درگیر آسیب ها و مشکلات مختلف از جمله عدم کاکرد نهاد بی طرف و متشکل از کارشناسان رشته های مختلف در امر حوزه بندی، عدم دخالت و مشارکت مردم در امر حوزه بندی، تغییر مکرر مرزهای سیاسی - اداری و تاکید صرف بر عامل جمعیت می باشد (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۹: ۶۸).

با توجه به اینکه حوزه بندی های انتخاباتی در ایران بر اساس واحدهای تقسیمات کشوری تعیین و ترسیم شده اند، از اینرو چگونگی کارکرد این حوزه ها تا حد زیادی متأثر از چگونگی سازماندهی واحدهای تقسیماتی است و بر این اساس پیامد حوزه بندی غیر اصولی چنین فرآیندی در قالب تنش های انتخاباتی پدیدار می شود. در بین مناطق مختلف کشور رقابت های انتخاباتی در استان فارس به دلیل جمعیت و وسعت زیاد، تنوع و تکثر قومی و فرهنگی، تعدد حوزه های انتخاباتی و تغییرات مکرر مرزها و محدوده های تقسیمات کشوری همواره اهمیت و حساسیت خاص خود را داشته که در برخی دوره ها منجر به بروز برخی تنش های انتخاباتی نیز شده است. لذا با توجه به توجه اهمیت چگونگی مرزبندی های حوزه های انتخاباتی در چارچوب واحدهای تقسیمات کشوری، در این تحقیق ابعاد تنش آمیز این فرآیند و نقش آفرینی آن در سطح حوزه های انتخابیه استان فارس مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی است و نتایج حاصل از آن می تواند مورد استفاده برنامه ریزان و مسئولان تصمیم گیرنده قرار گیرد. این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی - تحلیلی است که به دنبال شناسایی ابعاد تنش آمیز حوزه بندی انتخاباتی مبتنی بر واحدهای تقسیمات کشوری است. از نظر روش جمع آوری اطلاعات در این پژوهش از روش کتابخانه ای مانند کتب، مقالات، آمار و اطلاعات سازمان های رسمی و پایگاه های خبری استفاده خواهد شد.

## چارچوب نظری

## حوزه بندی های انتخاباتی:

حوزه های انتخاباتی ۱ تقسیمات سیاسی - اداری فضا می باشند که برای مقاصد انتخاباتی طراحی شده اند. نمایندگان انتخاب شده در این حوزه ها نه تنها نمایندگی مردم را دارند بلکه تقسیمات مربوط به قلمرو حوزه های انتخاباتی را نیز منعکس می کنند. بر این اساس سرزمین، مردم و قوانین متداول قلمروهای سیاسی - اداری کشور اساس و پایه ای برای مرزهای حوزه های انتخاباتی و تقسیماتشان می باشند (Pal Singh, 2000, 517). از اینرو تقسیم سرزمین و جمعیت ساکن بر روی آن به حوزه های انتخاباتی، نخستین گام به منظور تسهیل فرآیند انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت هر حوزه انتخابی است.

حوزه بندی انتخاباتی براساس تقسیم بخشهای مختلف کشور به حوزه های انتخاباتی انجام می گیرد، به طوری که تا حد امکان نسبت برابر و متعادل جمعیت هر حوزه را به تعداد کرسیهای نمایندگی در آن حوزه و حوزه های دیگر فراهم شود (مولایی و احمدی، ۱۴۰۰: ۴). فرایند ترسیم مرزهای حوزه های انتخابیه که از آن تحت عنوان فرایند تحدید مرزهای حوزه های انتخابیه هم یاد می شود، عبارت است از ترسیم تعدادی خط بر روی نقشه با هدف تقسیم یک منطقه به چندین حوزه انتخابیه مجزا که از هر یک از آنها یک یا چند نماینده انتخاب می شوند (هندلی و گرومن، ۱۳۹۵: ۴۹۷).

در کشورهای مختلف با توجه به نظامهای انتخاباتی، ویژگیهای اجتماعی و جغرافیایی و نظام قانونی، حوزه بندی های مختلفی شکل می گیرد. عمده ترین روشهای حوزه بندی به شرح زیر می باشد:

۱ - حوزه های ملی: که در آن تمامی کشور یک حوزه انتخابیه است و احزاب با توجه به درصد آرا خود کرسیهای پارلمان را تصاحب می کنند.

۲ - حوزه بندی با مبنای ناحیه ای: که در آن یک ناحیه جغرافیایی که گاه شامل چندین ایالت می شود را در می گیرد.

۳ - حوزه بندی براساس ایالتها: که در این صورت هر استان یا ایالت یک حوزه انتخاباتی را تشکیل می دهد.

۴ - حوزه بندی بر مبنای محلی و زیر ناحیه ای: که در این نوع از حوزه بندی یک استان به چند حوزه انتخاباتی تقسیم می شود و یک یا چند شهر به عنوان حوزه انتخابیه مشخص می شود (میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۵۷؛ احمدی، ۱۳۸۹: ۱۹۷).

نتیجه انتخابات به ندرت منعکس کننده دیدگاههای واقعی رأی دهندگان است و جغرافیا همچنان در این روند نقش بسیار تعیین کننده ای دارد. این مسأله که کدام حزب بیشتر از گرایشهای موجود در نظام انتخاباتی منتفع می شود تا حدودی به طراحی مرزهای نواحی انتخاباتی یا حوزه های رای گیری وابسته است (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۳). برخی معتقدند وجود مرزهای ثابت در حوزه بندیهای

---

 1 Constituencies

انتخاباتی در برخی مواقع، به ایجاد احساس بی عدالتی در میان افراد جامعه نسبت به نوع، تعداد و چیدمان کرسیهای نمایندگی و سهم برخوردار از نمایندگانی از قوم خود منجر شده و گاهی اوقات بسترهایی را برای وقوع پدیده «جری ماندینگ» فراهم آورده است (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۵). در بسیاری از موارد به دلیل نادیده گرفتن عوامل جغرافیایی و عدم دقت در فرایند حوزه بندی و همچنین سوء استفاده برخی از افراد و گروهها، طیف های خاصی از رأی دهندگان با تبعیض مواجه خواهند شد. در چنین مواقعی حوزه بندی در راستای برآورده شدن منافع افراد ذینفعی که خود طراحان آن بوده اند عمل می کند. راههای بسیاری وجود دارد که در آنها مرزهای حوزه را می توان به عمد در جهت استفاده انتخاباتی دستکاری کرد (Blacksell, 2006: 121). تبعیض در ترسیم محدوده های انتخاباتی، ترسیم حدود مرزهای انتخاباتی را شامل می شود که با هدف تأمین منافع خاص یک حزب صرف نظر از اندازه ناحیه انتخاباتی صورت می گیرد (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۲۷۸). از سویی نوع دیگری از تبعیض وجود دارد که تا حدودی با ناحیه و ویژگیهای آن مرتبط است. ماهیت این ارتباط در بی تناسبی و نادیده گرفتن میزان جمعیت در تعیین یک حوزه انتخاباتی است. مباحث یاد شده دو مفهوم بنیادی مرتبط با حوزه بندی انتخاباتی یعنی جری ماندینگ<sup>۱</sup> و تسهیم نامتناسب را در برمی گیرد. دستکاری عمدی مرزهای حوزه انتخاباتی برای رسیدن به اهداف سیاسی، تحت عنوان جری ماندینگ شناخته می شود (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۸). جری ماندینگ روشی است که از طریق آن مرزهای حوزه های انتخاباتی به گونه ای طراحی می شود که احتمال پیروزی یک شخص یا گروه در انتخابات بیشتر شود (Mc lean, 1995: 204).

موضوع دیگر عدم تناسب در بین جمعیت و تعیین یک حوزه انتخاباتی است که از آن به عنوان تسهیم نامتناسب یاد می شود. در این ارتباط دو موضوع کم نمایندگی که اشاره به نداشتن نماینده متناسب با جمعیت ناحیه است و موضوع بیش نمایندگی که اشاره به دارا بودن نماینده به رغم نداشتن جمعیت کافی است، مطرح است (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۳۰۴).

تقسیمات کشوری:

تقسیمات کشوری به عنوان بازتاب نظام حاکمیت ملی و ساختار سازمانی آن در پهنه فضای جغرافیایی، ابزار موثری جهت مدیریت بخش های مختلف کشور و همچنین موضوعی استراتژیک در ارتباط با نظام توسعه ملی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می رود (Wang and Yi liu, 2019: 195). تقسیمات کشوری سازماندهی نظام مند و سلسله مراتبی یک کشور به نواحی کوچکتر برای اداره امور مناطق است. این تقسیمات به عنوان بخش مهمی از مدیریت سیاسی و حکمرانی در سطح نواحی یک کشور محسوب می شود و به عنوان بستری برای توزیع فضایی قدرت حکومت و طراحی و اجرای سیاست های دولت در سطح مناطق نقش آفرینی می کند (Wang And Fuyuan, 2020: 1341). کارکرد نظام تقسیمات کشوری با توجه به نوع نظام سیاسی حاکم و همچنین میزان، ابعاد و جهت های تهدید درونی و بیرونی، فرهنگ سیاسی، همگنی یا ناهمگنی قومی- فرهنگی، سیستم اقتصادی، شبکه های ارتباطی، فضای حاکم بر منطقه جغرافیایی و... متفاوت می باشد (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۴؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳). در چارچوب

## 1 Gerrymandering

تقسیمات کشوری، قلمروهای سیاسی - اداری ظرف مکانی به شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، وضعیت توپوگرافیک، آمایش سرزمینی جمعیت، ساختار فرهنگی و قومیتی، فعالیت، زیرساختها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۰). در این صورت نظام تقسیمات کشوری به عنوان بستر شکل‌یابی نظام مدیریت سرزمینی و تشکیلات اداری تقسیم سرزمین به واحدهای همگن کوچکتر اداری - سیاسی، تعادل‌های فضایی را از طریق امکان مدیریت کارآمد و بهینه فضا فراهم می‌کند (احمدی‌پور و رهنما، ۱۳۹۰: ۱۷؛ Halas and others, 2017:3).

حوزه بندی انتخاباتی و تنش میان قلمروهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری:

سازماندهی سیاسی فضا دارای دو بعد تقسیمات کشوری و حوزه‌بندی انتخاباتی است که در این میان حوزه انتخابیه واضح ترین انعکاس فضایی مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی قلمداد می‌شود (حیدریان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). حوزه بندی‌های انتخاباتی رابطه تنگاتنگی با تقسیمات کشوری دارد. در بسیاری از کشورها محدوده‌های سیاسی - اداری تقسیمات کشوری، اساس حوزه بندی‌های انتخاباتی قرار می‌گیرد. از اینرو نتایج انتخابات به طور مستقیم تحت تاثیر نواحی سیاسی - اداری قرار دارد. اهمیت چنین امری سبب می‌شود تا گروه‌های قدرت به شیوه‌های مختلف سعی در تغییر مرزبندی‌های سیاسی - اداری به منظور تغییر نتایج انتخابات به شکل مورد دلخواه خود داشته باشند. همین امر سبب نفوذ عوامل غیر رسمی در تصمیمات سازماندهی سیاسی قلمرو می‌شود و می‌تواند زمینه ساز تنش‌های مختلف در اثر تغییر مرزهای تقسیمات کشوری گردد. در این راستا طراحی عمده خطوط مجلس قانونگذاری به نفع گروه‌های سیاسی یا دموکراتیک، ماورای تناسب و تقارن جمعیتی آنها انجام می‌گیرد، مانعی در راه تحقق انتخابات عادلانه محسوب می‌شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶). این اساس پدیده جری مندرینگ که سعی در طراحی حوزه‌های انتخاباتی به نفع جریانی خاص دارد، به طور مستقیم بر نحوه سازماندهی و تغییرات محدوده‌های سیاسی - اداری تقسیمات کشوری تاثیرگذار است و این امر خود به اشکال مختلف مانند واکنش هویت‌های محلی، تشدید رقابت‌های ناحیه‌ای، برهم خوردن همگنی واحدها و از بین رفتن تعادل‌های فضایی بر شکل‌گیری تنش‌ها و منازعات محلی تاثیرگذار است.

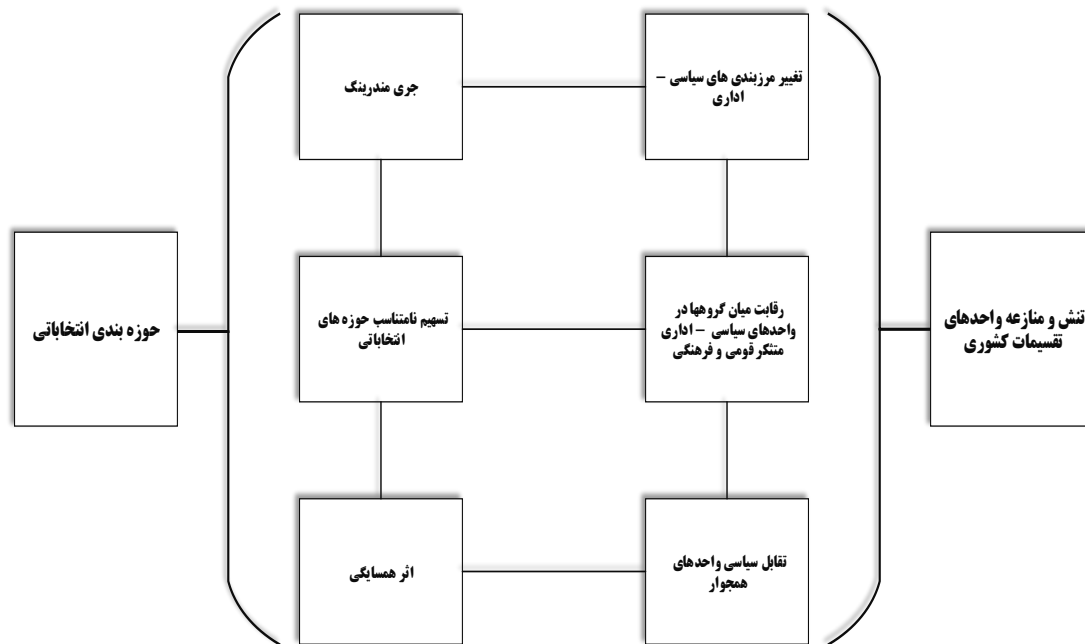
از متغیرهای دیگر جغرافیای انتخابات ۱ که به طور مستقیم می‌تواند رقابت‌ها، کشمکش‌ها تنشها و منازعات احتمالی را میان واحدهای سیاسی - اداری سبب شود، اثر همسایگی است. منظور از مقوله همسایگی و اصل مجاورت مکانی این است که ساکنان یک محدوده خاص (محله، روستا، شهر، شهرستان، استان) با نامزدی که در آن مکان زاده شده است یا زندگی می‌کند همزاد پنداری بیشتری دارند و به نوعی سمبل و نماد آن واحد به شمار می‌رود. در این وضعیت ساکنان نواحی تصور می‌کنند که نامزد محدوده (زادگاه)‌شان تنگناها و مشکلات آنان را بهتر درک می‌کند و تعلق خاطر داوطلب به واحد زادگاهش، فرصت‌های بیشتری را نصیب واحد سیاسی - اداری تحت سکونتشان می‌کند (کاویانی راد، ۱۳۸۶: ۳۶). به عبارت دیگر توزیع فضایی آراء در هر حوزه انتخابیه متأثر از بافت و ساختار اجتماعی آن حوزه شکل می‌گیرد (اعظمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۴). به موجب این اصل رای دهندگان از داوطلبان بومی و محلی

خود حمایت بیشتری می کنند؛ به نحوی که با افزایش فاصله از زادگاه، میزان آرا کاهش می یابد (Cox, 1932: 2002). داده های آماری نیز نشان می دهد نامزدهای انتخاباتی در جایی که زندگی می کنند، بیشترین رای را کسب می کنند (زرقانی و رضوی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۶). در این صورت ساکنان هر واحد سیاسی - اداری بر اساس حس و تعلقات مکانی به سرزمین سیاسی خود، داوطلب ساکن در محدوده خود را اولویت قرار داده و جهت پیروز شدن وی تلاش ها و رایزنی های مختلفی در سطح ناحیه صورت می گیرد. در این صورت میان نواحی سیاسی - اداری تقابلی پنهان یا آشکار میان واحدهای سیاسی - اداری دارای حوزه انتخاباتی مشترک شکل می گیرد که هر یک از آنها در پی پیروز شدن داوطلب حوزه خود هستند.

رقابت میان گروهها و احزاب جهت اجماع بر سر یک نماینده در واحدهای سیاسی - اداری از دیگر موضوعات تنش آمیز می تواند باشد. به طور کلی در حوزه های انتخاباتی که یک نماینده از بین چند واحد سیاسی - اداری مجاور هم انتخاب می شود، رقابت های مکانی و محلی میان واحدهای سیاسی - اداری جهت انتخاب نماینده مورد نظر به اوج خود می رسد و این عامل می تواند رقابت های انتخاباتی میان نواحی را به سمت تنش، اعتراضات، درگیری ها و بحران های محلی پیش ببرد.

از دیگر عوامل تنش زای حوزه بندی انتخاباتی، تسهیم نامتناسب نمایندگی میان حوزه ها است. تسهیم نامناسب حوزه های انتخاباتی متناسب با جمعیت و هویت های متفاوت واحدهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری می تواند بستر شکل گیری تنش ها و منازعات را در سطح نواحی فراهم سازد. در این صورت احتمال تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی - اداری در رقابت های انتخاباتی در صورتی که واحدها دارای هویت های فرهنگی و قومی متمایزی باشند، شکل جدی تری به خود می گیرد. به عبارت دیگر در نواحی متشکر قومی و فرهنگی، هریک از گروهها سعی بر حداکثر استفاده از موقعیت های قدرت را دارند. در این راستا نمایندگان محلی که از طریق فرآیند انتخابات برگزیده می شوند، از مهمترین موقعیت ها و فرصت های قدرت محلی به شمار می روند. در مناطق متشکر قومی، نحوه مرزبندی تقسیمات کشوری می تواند بر الگوی رقابت های قومی تاثیر بگذارد، رقابت هایی که عمدتاً در ارتباط با موقعیت های سیاسی در سطح محلی است و هریک از گروهها سعی می کنند تا از طریق نخبگان خود کنترل سیاسی مناطق را در دست گیرند. در این زمینه انتخابات محلی از مهمترین عرصه های رقابت و تنش و در مواردی منازعه گروههای قومی است. این تنش ها در اولین دوره انتخابات محلی واحدهای جدید سیاسی - اداری بسیار حساس است و احتمال کشیده شدن آن به سمت خشونت و آشوب زیاد است (Bazzi and Gudgeon, 2018: 23).

به طور کلی می توان گفت حوزه بندی های انتخاباتی رقابت های تنش آمیز را جهت دستیابی به موقعیت های قدرت در سطح قلمروهای سیاسی - اداری گسترش داده و در قالب مولفه هایی مانند تغییر مرزبندی های سیاسی - اداری به منظور تغییر نتایج انتخابات (جری مندیرینگ)، تسهیم نامتناسب حوزه های انتخاباتی و اثر همسایگی از جمله عوامل تنش و منازعه میان واحدهای تقسیمات کشوری محسوب می شود (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۶).



شکل ۱: مدل حوزه بندی انتخاباتی و تنش و منازعه قلمروهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری (منبع: نگارندگان)

#### محیط شناسی تحقیق

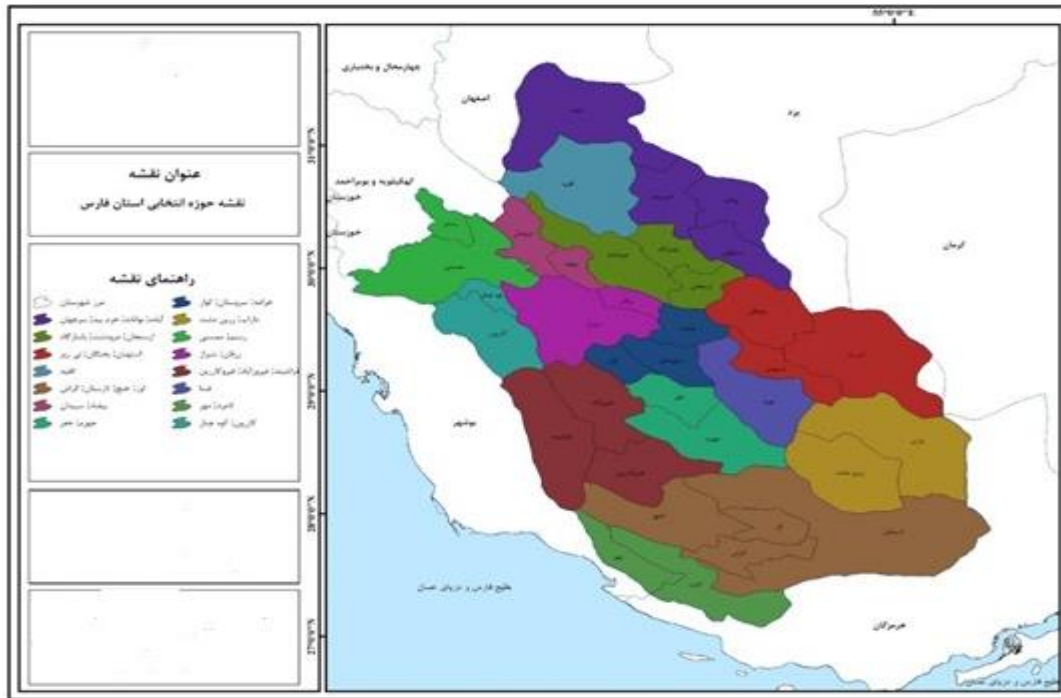
بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۴۰۰ خورشیدی، استان فارس به ۳۷ شهرستان، ۹۷ بخش، ۲۲۲ دهستان و ۱۲۰ شهر تقسیم شده است (دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور؛ ۱۴۰۲). مرکز استان فارس، کلان شهر شیراز است که بر طبق برآورد، پرجمعیت ترین شهر این استان و پنجمین شهر پرجمعیت کشور محسوب می شود. شهرستان های آباده، ارسنجان، استهبان، اقلید، اوز، بختگان، بوانات، بیضا، پاسارگاد، جهرم، خرامه، خرمبید، خفر، خنج، داراب، رستم، زرقان، زرین دشت، سپیدان، سرچهان، سروستان، شیراز، فراشبند، فسا، فیروزآباد، قیر و کارزین، کازرون، کوار، کوه چنار، گراش، لارستان، لامرد، مرودشت، ممسنی، مهر، جویم و نی ریز شهرستان های این استان هستند.

استان فارس با جمعیتی معادل ۴,۸۵۱,۲۷۴ نفر در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۵ حوزه انتخابیه برای انتخابات مجلس دارد که در مجموع ۱۸ نماینده را در بر می گیرد. از حوزه انتخابیه شیراز و زرقان ۴ نفر و از سایر حوزه های انتخاباتی هرکدام ۱ نفر به نمایندگی مجلس از طرف مردم این استان انتخاب می شوند (وزارت کشور، ۱۴۰۱؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

استان فارس در رده نخست کشوری از لحاظ تعداد شهرستان ها قرار دارد. 1

مرکز حوزه	شهرستان های حوزه	تعداد کرسی	جمعیت (۱۳۹۵)
شیراز	شیراز، زرقان	۴	۱۸۶۹۰۰۱
آباده	آباده، بوانات، خرم بید، سرچهان	۱	۲۰۱۷۷۱
نی ریز	نی ریز، استهبان، بختگان	۱	۱۸۲۱۴۱
اقلید	اقلید	۱	۹۳۷۶۳
جهرم	جهرم، خفر	۱	۲۲۸۵۳۲
داراب	داراب، زرین دشت	۱	۲۷۴۶۸۸
اردکان	سپیدان، بیضا	۱	۹۱۰۴۹
سروستان	سروستان، خرامه، کوار	۱	۱۲۱۹۹۷
فسا	فسا	۱	۲۰۵۱۸۷
فیروزآباد	فیروزآباد، فراشبند، قیر و کارزین	۱	۲۳۸۰۷۹
کازرون	کازرون، کوه چنار	۱	۲۶۶۲۱۷
لار	لارستان، خنج، گراش، اوز، جویم	۱	۳۰۹۱۰۶
لامرد	لامرد، مهر	۱	۱۵۶۶۰۹
مرودشت	مرودشت، پاسارگاد، ارسنجان	۱	۳۹۶۲۷۷
نورآباد	ممسنی، رستم	۱	۱۶۱۹۱۳

شکل ۲: جدول حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی استان فارس (منبع: پرتال وزارت کشور)



شکل ۳: نقشه حوزه های انتخابیه استان فارس (منبع: نگارندگان)

یافته ها و تجزیه و تحلیل:

ابعاد تنش آمیز حوزه بندی انتخاباتی میان قلمروهای سیاسی - اداری استان فارس را می توان در قالب مولفه های زیر تحلیل نمود:

تسهیم نامتناسب حوزه بندی انتخاباتی:

با نگاهی به وضعیت حوزه های انتخاباتی استان بر اساس مولفه های جمعیت و تعداد کرسی مشخص می شود که در بین حوزه ها تناسبی میان جمعیت و تعداد نماینده وجود ندارد. به عنوان مثال طبق سرشماری ۱۳۹۵، حوزه انتخابیه سپیدان (متشکل از شهرستان سپیدان و بیضا) با ۹۱ هزار نفر جمعیت و حوزه انتخابیه اقلید (متشکل از شهرستان اقلید) با جمعیت حدود ۹۴ هزار نفر هر کدام یک نماینده در مجلس شورای اسلامی دارند. در مقابل حوزه انتخابیه مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان با سه شهرستان و حدود ۳۹۶ هزار نفر جمعیت و حوزه انتخابیه لار، گراش، اوز، خنج و جویم با پنج شهرستان و جمعیت بالغ بر ۳۰۹ هزار نفر که رقابت ها و تنش های مکانی میان آنها نیز شدید است، هر کدام تنها یک نماینده اختصاص یافته است. به این ترتیب عدم تناسب میان حوزه های انتخاباتی از لحاظ جمعیت و تعداد شهرستان های حوزه و کرسی های اختصاص یافته نمایندگی در سطح استان مشهود است. این نحوه توزیع کرسی ها میان حوزه های انتخابیه استان از یک سو باعث می شود ارزش آرای رای دهندگان در شهرستان های مختلف نابرابر شود و از سوی دیگر شهرستان های مختلف به نسبت جمعیت خود سهم برابری از کرسی های مجلس نداشته باشند که پیامدهای تنش آمیز مهمی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... به دنبال خواهد داشت (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۳).

از طرف دیگر اگر بر طبق قانون های مصوب در مورد ملاک های جمعیتی برای اختصاص کرسی نمایندگی به حوزه های انتخابیه، به نظر می رسد با جمعیت حدود چهار میلیون و هشتصد هزار نفری استان و اختصاص ۱۸ نماینده به آن، در حال حاضر استان فارس با کمبود کرسی نمایندگی مجلس متناسب با ملاک جمعیتی روبه رو است. حوزه های انتخابیه شیراز و زرقان، حوزه مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان، حوزه لارستان، گراش، خنج، اوز و جویم از مهمترین حوزه هایی است که دارای کمبود کرسی نمایندگی متناسب با جمعیت آنها است. چنین شرایطی سبب شده است تا برخی مسئولان استانی در مجلس شورای اسلامی خواستار افزایش تعداد کرسی های نمایندگی مجلس در استان شوند. در این راستا نایب رئیس مجمع نمایندگان استان فارس در مجلس شورای اسلامی در مرداد ماه ۱۴۰۰ خواستار بازنگری در حوزه های انتخابیه استان شد و بر ضرورت اصلاح جدول حوزه های انتخابیه قوه مقننه تاکید کرد. وی (حسین حسین زاده) که خود نماینده حوزه انتخابیه لار، گراش، خنج و اوز می باشد در این زمینه می گوید: «یک نفر نمی تواند به امور ۸۰۰ روستا، ۱۳ شهر و ۱۱ بخش در حوزه انتخابیه لارستان و خنج و گراش و اوز به صورت کامل رسیدگی کند، زیرا توقعات مردم و حتی روند امور با شرایط یک مرکز استان تفاوت دارد. بر اساس شاخص های افزایش تعداد نمایندگان، هم اکنون باید تعداد نمایندگان شیراز به عنوان مرکز استان فارس نیز افزایش یابد» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۵/۱۲).

رقابت های تنش آمیز انتخاباتی مبتنی بر زادبوم محوری و اثر همسایگی:

رقابت های مکانی یکی از پیامدهای همآوردی منافع متعارض بازیگران به شمار می رود. در ایران رقابت های مکانی عمدتاً در قالب حوزه های انتخاباتی نمود دارد که از چندین شهرستان تشکیل شده اند (کاویانی راد و گوهرزادگان منش، ۱۳۹۸: ۱۶۲). در واقع اختصاص یک کرسی نمایندگی به چند شهرستان در هر حوزه، سبب ایجاد رقابت های محلی میان شهرستان ها جهت پیروزی نامزد بومی خود (اثر همسایگی) در انتخابات شده است. با بررسی قلمروهای سیاسی - اداری تقسیمات کشوری، بازیگران محلی در حوزه های انتخابیه و نمایندگان انتخاب شده در ادوار پیشین مجلس می توان الگوی رقابت های انتخاباتی در سطح حوزه مورد مطالعه را به شرح ذیل تحلیل کرد:

در حوزه انتخابیه شیراز و زرقان با توجه نقش مسلط شهر شیراز از نظر جمعیتی و سیاسی - اداری، رقابتی بین شهرستانی در این حوزه تاکنون وجود نداشته است. تنها شهرستان حاضر در این حوزه در کنار شیراز، شهرستان زرقان می باشد که در سال ۱۳۹۸ از شیراز انتزاع یافته است. رقابت های انتخاباتی در این حوزه در شهر شیراز عمدتاً در قالب رقابت های حزبی و جناحی بوده است. با این وجود با مهاجرت گسترده اقوام لر نشین و ترک نشین طی سالیان گذشته به این شهر، جهت گیری های قومی نیز در انتخاب نمایندگان این حوزه موثر بوده است.

در حوزه انتخابیه آباد، بوانات، خرم بید و سرچهان با وجود جمعیت بیشتر شهر آباد، در ادوار پیشین عمدتاً نماینده انتخاب شده از شهرستان های بوانات و خرم بید بوده است. شهرستان های بوانات و خرم بید در گذشته بخشی از شهرستان آباد بوده و در دهه هفتاد ارتقا یافتند. شهرستان سرچهان نیز در سال ۱۳۹۸ از بوانات جدا شد. در این زمینه به نظر می رسد ائتلافی از شهرستان های انتزاع یافته از آباد علیه شهرستان مادر شکل گرفته است.

در حوزه انتخابیه نی ریز، استهبان، بختگان رقابت های انتخاباتی میان شهرهای نی ریز و استهبان بوده است. نتایج انتخابات پیشین نشان می دهد که نمایندگان انتخابی عمدتاً از شهرستان استهبان بوده اند. اخیراً با تشکیل شهرستان بختگان در این حوزه، قطب سومی نیز به رقابت های این حوزه افزوده شده است و در آخرین دوره برگزاری انتخابات مجلس، نامزد برنده شده از شهرستان بختگان می باشد.

حوزه انتخابیه اقلید متشکل از یک شهرستان است و در نتیجه رقابت های انتخاباتی در این حوزه در سطح درون شهرستانی می باشد. در حوزه انتخابیه جهرم و خفر شهرستان های جهرم و خفر وجود دارند. خفر به تازگی از شهرستان جهرم انتزاع یافته است. در نتیجه رقابت های این حوزه نیز عمدتاً در سطح شهرستان جهرم بوده است.

در حوزه انتخابیه داراب و زرین دشت، با توجه به نقش مسلط داراب از نظر جمعیتی و سیاسی - اداری در این منطقه، نمایندگان پیروز به طور قاطع از شهرستان داراب بوده و شهرستان زرین دشت موقعیت تابع را در این زمینه داشته است.

در حوزه انتخابیه سپیدان و بیضا که یکی از کم جمعیت ترین حوزه های انتخاباتی استان است، شهر سپیدان با توجه به جمعیت بیشتر، موقعیت برتری در رقابت های انتخاباتی دارد. از سوی دیگر شهرستان بیضا نیز اخیراً در سال ۱۳۹۸ از سپیدان انتزاع یافته است.

در حوزه انتخابیه سروستان، کوار و خرامه تقریباً رقابت برابری میان شهرستان های این حوزه وجود دارد. این حوزه متشکل از شهرستان هایی هست که همگی بعد از دهه هشتاد شمسی با انتزاع از مرکز استان و شهرستان شیراز تشکیل شده اند. سوابق محل تولد نمایندگان ادوار اخیر این حوزه نشان می دهد که محل تولد بخش عمده ای نمایندگان انتخاب شده، شهر شیراز می باشد. به نظر می رسد نفوذ سیاسی شیراز بر این شهرستان ها حتی با وجود انتزاع آنها همچنان ادامه دارد.

حوزه انتخابیه فسا متشکل از یک شهرستان است و رقابت های انتخاباتی در سطح درون شهرستانی دنبال می شود.

در حوزه انتخابیه فیروزآباد، قیروکارزین و فراشبند، نامزدهای انتخاباتی شهرستان فیروزآباد در اکثر دوره ها پیروز انتخابات بوده اند. جمعیت بیشتر این شهرستان و تبعیت از الگوی رای دهی بر اساس اثر همسایگی و زادبوم محوری و همچنین تعلقات قومی جهت راه یافتن نماینده ای از قوم قشقایی در رقابت های انتخاباتی این حوزه و انتخاب نمایندگان نقش عمده ای داشته است (مهکویی، ۱۳۹۸: ۲۶۸).

در حوزه انتخابیه کازرون و کوه چنار، در طول دوره های انتخاباتی کازرون به عنوان تنها شهرستان این حوزه نقش آفرینی می کرد که در سال ۱۳۹۸ شهرستان کوه چنار نیز با انتزاع از شهرستان کازرون به این حوزه اضافه شد. با این وجود رقابت های انتخاباتی در سطح این حوزه در قالب درون شهرستانی با انتخاب نماینده ای از بخش کوه چنار در ارتقای سیاسی آن به شهرستان نقش عمده ای داشته است. از سوی دیگر تنوع و تکثر قومی گروههای ساکن در این حوضه شامل فارس، ترک قشقایی، لر و عرب خمسه بر شدت رقابت های تنش آمیز انتخاباتی در این حوزه می افزاید (متقی، ۱۳۹۳: ۲۴۶).

در حوزه انتخابیه لار، گراش، خنج، اوز و جویم به دلیل رقابت های ریشه دار تاریخی میان شهرهای این منطقه بخصوص میان لار و گراش، رقابت های انتخاباتی همواره حساس بوده است. سوابق دوره های انتخاباتی نشان می دهد که در اکثر ادوار نمایندگان این حوزه

از شهرستان لار انتخاب شده اند، با اینحال در آخرین دوره انتخابات برگزار شده در سال ۱۳۹۸، نماینده انتخابی از شهرستان گراش می باشد. در حال حاضر نیز تنش های انتخاباتی این منطقه به دلیل رقابت های محلی، تفاوت های مذهبی و اختلافات ریشه دار تاریخی حساسیت های خاص خود را داراست. در این میان اختصاص یک نماینده به پنج شهرستان لارستان، گراش، اوز، خنج و جویم با جمعیتی بالغ بر ۳۰۹ هزار نفر یکی از منابع مهم تنش و منازعه در این منطقه بوده و حوزه بندی انتخاباتی این منطقه نیاز به بازنگری اساسی دارد. تغییرات مکرر تقسیمات کشوری و ایجاد شهرستان های جدید بدون بازنگری در حوزه بندی انتخاباتی، نقش مهمی در تشدید رقابت های انتخاباتی این حوزه داشته است. از لحاظ تاریخی یکی از مهمترین منازعات خشونت آمیز صورت گرفته در انتخابات استان فارس به دوران قبل از انقلاب و انتخابات شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۸ ش بر می گردد که حوزه لارستان یکی از کانون های اصلی درگیری ها بود. حادثه انتخاباتی لار در مجلس شانزدهم واقعه منجر به کشته و مجروح شدن اعضای انجمن نظارت و دستگیری و زندانی شدن معترضین شد. از طرفی پس از دوره شانزدهم تا دوره بیستم لارستان نماینده ای نداشت و کدورتی چندساله بین اهالی لار و اوز شکل گرفت (عسکری، ۱۳۹۰: ۷۱۷-۷۱۵).

در حوزه انتخابیه لامرد و مهر با وجود رقابت های مکانی، به دلیل جمعیت بیشتر و نقش مسلط شهر لامرد، نمایندگان انتخابی از این شهرستان هستند و شهرستان مهر در این زمینه موقعیت تابع را دارد.

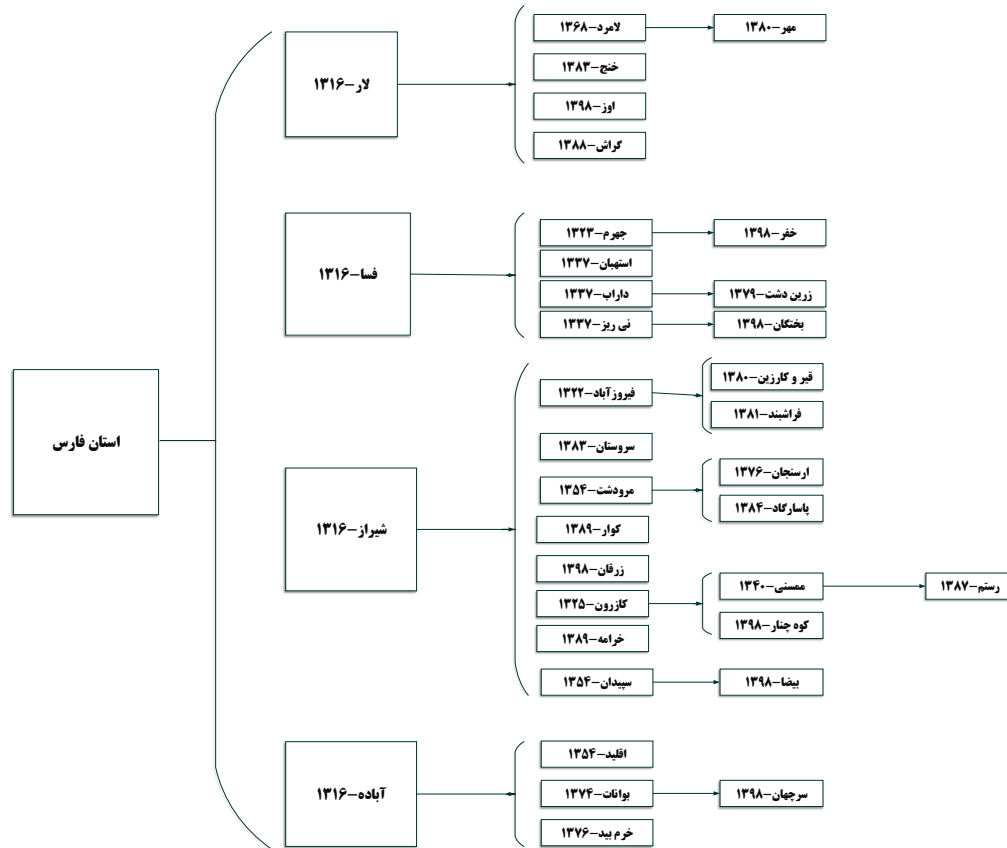
در حوزه انتخابیه مرودشت، ارسنجان و پاسارگاد با توجه به جمعیت بالای شهر مرودشت و تسلط آن بر شهرستان های اطراف، نمایندگان انتخابی از شهرستان مرودشت بوده و شهرستان های ارسنجان و پاسارگاد نتوانسته اند موفقیتی را در این زمینه کسب نمایند.

در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم، بررسی سوابق دوره های انتخاباتی نشان می دهد که نمایندگان انتخابی این حوزه از شهرستان ممسنی بوده است. تعلقات طایفه ای نقش مهمی در رقابت های انتخاباتی این حوزه ایفا می کند. از آنجایی که الگوی مسلط فرهنگ سیاسی در شهرستان ممسنی و رستم کارکردی طایفه محور دارد، بخش عمده ای از پایگاه رای نمایندگان تابع بازتولید هموردی های سنتی طایفه ای است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷). در جریان مرحله دوم دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی و رستم در استان فارس، در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ درگیری های خشونت آمیزی میان طرفداران کاندیداها شکل گرفت و اخباری در مورد درگیری های مسلحانه در این زمینه منتشر شد که در ادامه ۵۸ نفر از عاملان درگیری انتخاباتی دستگیر شدند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵: ۳).

#### تغییر مرزبندی های سیاسی - اداری درون حوزه های انتخابیه

استان فارس بیشترین تغییرات را در حوزه تقسیمات کشوری را در سطح کشور داشته است؛ به طوری که تعداد شهرستان های آن از ۴ شهرستان در سال ۱۳۱۶، به ۳۶ شهرستان در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است (دفتر تقسیمات کشوری، ۱۴۰۰). تغییرات صورت گرفته در تقسیمات کشوری استان فارس عمدتاً متأثر از عواملی مانند رقابت های مکانی، جغرافیای قدرت و حمایت، و تفاوت های فرهنگی و

مذهبی بوده است (احمدی پور و قنبری، ۱۳۸۸: ۴۵). تغییرات تقسیمات کشوری استان فارس بین سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۴۰۰ در قالب نمودار زیر ترسیم شده است:



شکل ۴: نمودار روند تغییرات تقسیمات استان فارس و تشکیل شهرستان های جدید از ۱۴۰۰-۱۳۱۶ (منبع: نگارندگان).

تغییرات تقسیمات کشوری و ایجاد شهرستان های جدید سبب افزایش تعداد بازیگران قدرت در سطح حوضه های انتخابیه و گسترش رقابت های انتخاباتی میان قطب های رقیب شده است و همین امر ضمن تاثیر بر سرنوشت انتخابات در برخی حوزه ها، تنش های انتخاباتی را نیز در پی داشته است. بررسی حوزه های انتخاباتی نشان می دهد که در حوزه هایی که تغییرات تقسیمات کشوری در آن بیشتر بوده و تعداد شهرستان های بیشتری در آن فعال هستند، رقابت های تنش آمیز نیز در آن بیشتر است. در این راستا می توان به حوزه انتخابیه لار اشاره کرد که تغییرات تقسیمات کشوری سبب افزایش تعداد شهرستان های حوزه و در نتیجه تشدید رقابت های تنش آمیز انتخاباتی شده است. از سوی دیگر برخی حوزه ها مانند اقلید بدلیل عدم تغییرات تقسیمات کشوری در حال حاضر به تنهایی یک کرسی نمایندگی را به خود اختصاص داده است. از این منظر می توان گفت که تغییرات مکرر و نامتوازن تقسیمات کشوری در سطح استان فارس منجر به عدم تعادل و موازنه کرسی های انتخاباتی میان حوزه های انتخابیه و شهرستان های مستقر در آن شده است.

از سوی دیگر تلاش های عناصر جغرافیای قدرت و حمایت در چارچوب ایجاد واحدهای جدید سیاسی - اداری که عمدتاً در قالب تبلیغات انتخاباتی نامزدها صورت می گیرد، به یکی از عوامل مهم تغییرات سیاسی - اداری حوزه بندی ها و تنش های انتخاباتی تبدیل شده و بر سرنوشت انتخابات نقش آفرین است. در این راستا وعده های انتخاباتی نامزدها در تبلیغات انتخاباتی مبنی بر ایجاد تغییر در تقسیمات کشوری به نفع یک منطقه خاص در صورت پیروزی نیز می تواند زمینه ساز بروز تنش ها و مناقشات در سطح شهرستان ها شود. این امر نه تنها در میان حوزه های انتخابیه که میان چند شهرستان تقسیم شده است، بلکه در حوزه هایی که متشکل از یک شهرستان است نیز می تواند باعث منازعه شود. در این صورت وعده یک نامزد انتخاباتی در یک بخش مبنی بر ارتقای سیاسی آن بخش به شهرستان در صورت پیروزی در انتخابات می تواند باعث بروز تنش ها و منازعات شود. امری که در ارتقای بخش کوه چنار به شهرستان و جدایی آن از کازرون تحت تاثیر جغرافیای قدرت و حمایت سبب شکل گیری شدیدترین منازعات در حوزه تقسیمات کشوری استان فارس در فروردین ۱۳۹۷ در اعتراض به طرح تقسیم شهرستان کازرون به وقوع پیوست که منجر به بروز بحران امنیتی بزرگی در این منطقه گشت و بازتاب های گسترده ای در پی داشت (متقی و نامدرازاده، ۱۳۹۹: ۸۳-۸۲). در این زمینه روزنامه ایران در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ می نویسد: «تا قبل از وعده انتخاباتی سال ۹۴ حسین رضازاده که اکنون نماینده کازرون در مجلس است، بحث تشکیل شهرستانی به نام «کوه چنار» آنقدرها جدی نبود. حسین رضازاده سال ۹۴ شعار اصلی خود را متوجه اقدامی کرد که به رغم سابقه ۲۰ ساله اش آنقدرها در عمل جدی نشده بود. رضازاده با شروع به کار مجلس دهم این امکان را داشت که بتواند وعده انتخاباتی خود را محقق کند و احتمالاً در میان مردم منطقه ای که زادگاه اوست و قرار بود از کازرون جدا شود، به قامت یک قهرمان دربیاید. این سودا چیزی نبود که جای وقت کشی داشته باشد؛ فشارها و درخواست های رضازاده به وزارت کشور آغاز شد تا بتواند این جدایی را نهایی کند. . . نهایتاً حسین رضازاده، نماینده کازرون ۱۷ مرداد ۹۶ در پیام کوتاهی در کانال تلگرام خود خبر تشکیل شهرستان جدید را تأیید کرد. . .» (روزنامه ایران، ۱۳۹۷/۲/۳۰).

جدایی کوه چنار از شهرستان کازرون سبب می شود تا در آینده رقابت های انتخاباتی میان دو شهرستان در این حوزه از حساسیت بیشتری برخوردار شده و احتمال ایجاد تنش و منازعه در انتخابات این حوزه بیش از پیش وجود دارد.

#### نتیجه گیری

با مطالعه وضعیت حوزه های انتخابیه استان فارس می توان گفت که مواردی مانند در حاشیه قرار گرفتن معیار جمعیت و در اولویت قرار گرفتن سایر معیارها و در نتیجه تسهیم نامتناسب نمایندگی در سطح حوزه های انتخاباتی استان، رقابت های محلی مبتنی بر زادبوم محوری و اثر همسایگی، تغییرات گسترده تقسیمات کشوری درون حوزه بندی های انتخاباتی و ایجاد واحدهای جدید متأثر از پدیده جغرافیای قدرت و حمایت و تفاوت های قومی و فرهنگی درون حوزه ها از مهمترین عوامل ایجاد تنش درون حوزه های انتخابیه در سطح استان است. این تنش ها هرچند عمدتاً به شکل مسالمت آمیز بوده، اما در برخی مناطق از جمله کازرون و ممسنی به خشونت نیز

کشیده شده است. بر این اساس تحلیل رقابت در حوزه های انتخاباتی، می توان گفت که حوزه های زیر از احتمال بروز تنش و منازعه انتخاباتی بیشتری در انتخابات مجلس شورای اسلامی برخوردارند:

حوزه انتخابیه لار، گراش، خنج، اوز و جویم به دلیل رقابت ها و اختلافات ریشه دار تاریخی مبتنی بر هویت مکانی میان شهر لار و سایر مراکز شهرستان های جدا شده از لارستان؛ قرار گرفتن چهار شهرستان در سطح حوزه، جمعیت بالا و تفاوت های مذهبی در قالب شیعه و سنی.

حوزه انتخابیه ممسنی و رستم به دلیل رقابت میان گروه های طایفه ای در پهنه حوزه انتخابیه و حساسیت های مربوط به پیروزی در انتخابات در سطح طوایف.

حوزه انتخابیه فیروزآباد، فراشبند و قیروکارزین به دلیل تفاوت های قومی و فرهنگی میان قوم فارس، ترک و لر در سطح حوزه انتخابیه.

حوزه انتخابیه کازرون و کوه چنار به دلیل رقابت های مکانی، تنوع قومی و ایجاد شهرستان جدید در نتیجه رقابت های انتخاباتی.

به منظور کاهش تنش های حوزه بندی های انتخاباتی در چارچوب تقسیمات کشوری می توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

اصلاح نظام حوزه بندی انتخاباتی و طراحی مدلی در چارچوب بروز رسانی و شناورسازی حوزه های انتخابیه متناسب با مقتضیات و تغییرات قلمروهای سیاسی - اداری در ابعاد مختلف؛

بازنگری در ملاک های حوزه بندی انتخاباتی و تغییر رویکرد از ملاک های کمی بر پایه جمعیت به ملاک های کیفی مبتنی بر ویژگی های اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی و... مناطق؛

تغییر مقیاس جغرافیایی حوزه بندی های انتخاباتی از سطح شهرستان به استان؛

توسعه کارکرد احزاب سازمان یافته در سطح قلمروهای سیاسی - اداری در راستای تغییر الگوی رای دهی از بوم محوری به اندیشه محوری در سطوح محلی؛

بررسی دیدگاهها و حساسیت های مردم محلی و الگوی رقابت های مکانی میان قلمروهای سیاسی - اداری هنگام تهیه و اجرای طرح های حوزه بندی و ترسیم حوزه بندی ها بر مبنای مناطق همگرا؛

ایجاد نهادی مستقل در زمینه ترسیم حوزه بندی های انتخاباتی متشکل از کارشناسان رشته های مختلف و کاهش نفوذ یا حذف کامل قدرت نمایندگان مجلس در زمینه قوانین مربوط به حوزه بندی و تغییرات تقسیمات کشوری.

تطبیق حوزه بندی های انتخابیه با مناطق قومی و فرهنگی تا حد ممکن و یا اختصاص کرسی نمایندگی جداگانه به اقلیت های قومی و مذهبی در سطح استان.

منابع و مأخذ:

احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۹۰)، «تحلیل حوزه های انتخاباتی استان گلستان بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، ش ۱، صص ۴۰ - ۱۴.

احمدی، حسن (۱۳۸۹)، انتخابات در ایران، تهران: نشر میزان.

احمدی پور، زهرا و محمد رحیم رهنما (۱۳۹۰)، «نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی (مطالعه موردی: ایران)»، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، ش ۲، صص ۱۷-۳۹.

اطاعت، جواد و سیده زهرا موسوی (۱۳۸۹)، «رابطه متقابل امنیت ناحیه ای و توسعه یافتگی فضاها ی سیاسی با تاکید بر سیستم و بلوچستان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، ش ۱، صص ۷۰-۸۷.

اعظمی، هادی و دیگران (۱۴۰۱)، «توزیع فضایی آراء در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (با تاکید بر طایفه گرایی در حوزه انتخابیه مَمَسَنی)»، فصلنامه روابط انسانی، دوره ۵، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۲.

پرتال وزارت کشور (۱۴۰۰)، نام و تعداد نمایندگان مورد نیاز حوزه های انتخابیه در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی،

[www.moi.ir](http://www.moi.ir)

تایلور، پی. جی و آر. جی جانستون (۱۳۸۶)، جغرافیای انتخابات، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد، نشر قومس.

جعفرزاده، حسن و همکاران (۱۴۰۰)، «تبیین الگوی عوامل و منابع تنش و منازعه میان قلمروهای سیاسی - اداری»، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۴، ش ۱، صص ۱۳-۱.

جونز، مارتین؛ جونز، رایس؛ وودز، مایکل (۱۳۸۶)، مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات سمت.

حیدریان، مهدی و همکاران (۱۴۰۱)، «آسیب شناسی حوزه بندی انتخاباتی در ایران و ارائه الگوی بهینه؛ مورد: مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۷۱.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰/۵/۱۲، نایب رئیس مجمع نمایندگان فارس: در حوزه های انتخابیه مجلس بازنگری شود. [www.irna.ir/news/84424578](http://www.irna.ir/news/84424578)

[irna.ir/news/84424578](http://www.irna.ir/news/84424578)

دفتر تقسیمات کشوری (۱۴۰۰)، نقشه و جدول تقسیمات کشوری، تهران: وزارت کشور.

- رضایی، سوده (۱۳۹۴)، «ارائه مدل شناورسازی مرز حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی بر مبنای افزایش سرمایه اجتماعی»، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، دوره ۳، ش ۱۰، صص ۱۴۵-۱۲۹.
- روزنامه ایران، مقصر کازرون؛ وزارت کشور یا مجلس، ۱۳۹۷/۲/۳۰.
- روزنامه دنیای اقتصاد، دستگیری ۵۸ نفر از عاملان درگیری انتخاباتی در ممسنی، شماره روزنامه: ۵۷۶۱، ۱۳۹۵/۴/۴.
- ریاحی، وحید و همکاران (۱۳۹۹)، «عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام تقسیمات کشوری در سطح محلی (مطالعه موردی: شهرستان ارومیه)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، ش ۳، صص ۱۱۹-۱۴۷.
- زرقانی، سید هادی و مرتضی رضوی نژاد (۱۳۹۲)، «تحلیل نقش متغیر همسایگی در الگوی رای کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم»، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۷، ش ۳، صص ۱۲۶-۱۰۹.
- سجاسی قیداری، حمدالله و همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل رابطه طایفه گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دوره ۱۴، ش ۱، صص ۴۶-۱۹.
- عسکری، احمد (۱۳۹۰)، «واقعۀ خونین لارستان فارس در پی انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی»، مجله پیام بهارستان، ش ۱۲، صص ۶۹۹-۷۱۷.
- کاویانی راد، مراد و حسین گوهرزادگان منش (۱۳۹۸)، «تاثیر هویت مکانی بر الگوی فضایی رای؛ مطالعه موردی انتخابات مجلس شورای اسلامی با تاکید بر بخش میمند، حوزه انتخابیه فیروزآباد»، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، ش ۳، صص ۱۶۶-۱۵۹.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶)، «جغرافیای انتخابات»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۵۰۵-۴۸۱.
- کریمی پور، یدالله و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک ناحیه گرایی و تقسیمات کشوری ایران، تهران، نشر انتخاب.
- متقی، افشین و مسلم نامدارزاده (۱۳۹۹)، «نسبت هویت مکان با کنشهای تقسیمات سیاسی در فضا (مطالعه موردی: شهرستان کازرون)»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۱۰، ش ۳۷، صص ۹۰-۷۷.
- متقی، افشین (۱۳۹۳)، «خاستگاه آراء در نهمین دوره انتخابات مجلس در شهرستان کازرون بر پایه دیدگاههای اینگلهارت، پیا نوریس و مکتب شیکاگو»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۲، ش ۵۷، صص ۲۵۴-۲۳۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹)، آسیب شناسی نظام حوزه بندی انتخابات مجلس در ایران، پس از انقلاب اسلامی تاکنون، معاونت پژوهشهای سیاسی حقوقی دفتر مطالعات سیاسی.

مولایی، آیت و مسعود احمدی (۱۴۰۰)، «امکان‌سنجی الگوی مطلوب حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰، ش ۳۴، صص ۲۸-۱.

مهکویی، حجت (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر تاثیر جستار زادبوم شهری بر دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه شهرستان فیروزآباد فارس»، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، ش ۴، صص ۲۶۸-۲۶۱.

میرزاده کوهشاهی، نادر و مهدی میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۴، ش ۱۴، صص ۱۷۰-۱۵۱.

هندلی، لیزا و برنارد، گروممن (۱۳۹۵)، فرایند ترسیم مرزهای حوزه‌های انتخابیه، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Blacksell, Mark (2006). Political Geography, London: Routledge.

Cox, K. (2002), Political Geography, Blackwell..

Bazzi, Samuel and Matthew Gudgeon (2016), Local Government Proliferation, Diversity, and Conflict, Studies of Conflict Project (ESOC) Working Papers 5, Empirical Studies of Conflict Project.

Pal Singh, Chandra (2000); Report: Political Geography in Practice A century of constituency delimitation in india, Political Geography, Number 19 , 517-532.

Mc lean, Iain (1995); The Concise Oxford Dictionary of Politics; london: Oxford.

Halas, M, Klapka, P, Bacik, V and Klobucnik, M. (2017). The spatial equity principle in the administrative division of the Central European countries. PLoS ONE 12(11), 1-18.

Wang, Kaiyong & Fuyuan (2020), Theory and measurement model of administrative region potential from a perspective of administrative division adjustment: Taking Chongqing city as a case study, Journal of Geographical Sciences, 30(8).